تسلط انگلیسی‌ها در مجلس پهلوی

خسرو معتضد، تاریخ‌نگار: محمدرضا پس از نشستن بر تخت، در نخستین انتخابات هیچ دخالتی نکرد. برای اینکه مملکت در اشغال انگلیسی‌ها و شوروی‌ها بود. انگلیسی‌ها در مجلس نقش اساسی داشتند. در این دوره، دربار نمایندگانی به مجلس فرستاد. همچنین رکن دوم ارتش نیز افراد مدنظر خود را راهی مجلس کرد.

خبرهایی که نمی‌بینید

دخالت برای تصویب قرارداد

موسی فقیه‌حقانی، معاون پژوهشی مؤسسه مطالعات تاریخ ایران: با وجود برگزاری مجلس چهارم در دوره پهلوی و حضور گسترده مردم، دولت دنبال این بود که با قرارداد ۱۹۱۹ ایران را مستعمره بریتانیا کند. دولت می‌خواست کسانی را به مجلس بفرستد تا قرارداد را تصویب کنند. همین باعث شد که درگیری‌های گسترده‌ای در کشور داشته باشیم.

تایید انتخاباتی

علی امینی، سیاستمدار: مجلس بیستم پر از تقلب و درواقع انتخابات رگانه بود. رگانه به‌معنای سه‌گانه‌ای از زن، زر و زور. به این معنا که هر کسی می‌خواست در مجلس حضور یابد یا باید پول می‌داد یا آنکه زنان زیبا را برای پیشکشی متنفذان می‌برد یا از طرف زور و قدرت دربار تأیید می‌شد تا بتواند نماینده و وکیل مجلس بشود.

خبرهایی که نمی‌بینید

ضرب و شتم مردم برای ورود به مجلس

عبدالله مستوفی، دیپلمات اواخر قاجار: با ضرب شلاق و با انواع و اقسام روش‌های ارعاب، تلاش داشتند مردم را از مشارکت سیاسی بازدارند و نام کسانی را از صندوق‌ها درآورند که قرارداد ۱۹۱۹ را تصویب کنند. این کار به‌قدری مفتضحانه صورت گرفت که در همان مقطع بازتاب بسیار بدی پیدا کرد.

شوخی‌ای به اسم شرکت زنان در انتخابات

مینو صمیمی، منشی فرح (همسر محمدرضا شاه) در خاطراتش آزادی آرا را چیزی جز شوخی نمی‌دانست. او می‌گفت: «موقعی که می‌شنیدم ما در کشور از آزادی حق رأی برای انتخاب وکلای مجلس برخورداریم و یا می‌گفتند زنان با استفاده از آزادی اعطاشده می‌توانند در انتخابات شرکت کنند، بلافاصله این سؤال به ذهنم می‌آمد که اصولا وقتی ساواک همه نمایندگان مجلس را برمی‌گزیند چگونه امکان دارد کسی مسئله وجود آزادی حق رأی را باور داشته باشد؟»

بشت پرده تخت طاووس، تالیف مینو صمیمی، ص ۲۳۲

بازی‌ای به نام انتخابات

ویلیام داگلاس آمریکایی به نقل از مردم آن زمان ایران در کتابش می‌نویسد: هنگام انتخابات سربازان با صندوق‌های رأی و تعدادی اوراق از پیش نوشته شده به محل رأی‌گیری می‌آیند و در رأس اوراق فقط اسم یک نفر نوشته شده و مردم پشت سر هم می‌بندند و آرای از پیش نوشته شده بین افراد تقسیم می‌شود و آنگاه صف به‌ترتیب نوبت به طرف جلو حرکت می‌کند و مردم اوراق را در صندوق می‌ریزند.

کتاب سرزمین شگفت انگیز و مردمی مهربان و دوست داشتنی/نوشته ویلیام او. داگلاس (قاضی دیوان عالی آمریکا) / ترجمه فریدون سنجری/صفحه۱۸۲

انتخابات لغو شود!!

تصور کنید اگر در کل انتخابات چند موردی هم خلاف نظر شاه برگزیده می‌شدند چه اتفاقی رخ می‌داد؟ جعفر شریف‌امامی پاسخ این سؤال را اینگونه می‌دهد: «در انتخابات مجلس بیستم اعلیحضرت فرمودند خوب است با کسانی که انتخاب شده‌اند مشورتی بکنیم و ببینیم آیا انتخابات را نگه داریم یا آن را لغو کنیم و از نو انتخابات بشود؟ به هرحال صحبت کردیم و نظر داده شد که انتخابات مجلس بیستم منحل بشود.»

خاطرات جعفر شریف‌امامی و ویراستاری حبیب لاجوردی، ص ۱۷۵

آش دیگه خیلی شور می‌شود!!

در عصر پهلوی دوم دستکاری و تقلب در انتخابات به قدری بود که نه‌تنها میل به مشارکت در مردم را کاهش داد بلکه در مواردی هم صدای وابستگان دربار را هم درآورد؛ برای نمونه در انتخابات مجلس بیست‌وسوم، دولت هویدا به قدری در انتخابات دستکاری کرد که صدای اسدالله علم(وزیر دربار) راهم درآورد. او در کتاب خاطراتش می‌گوید که به شاه گفته است الان که ما قدرت داریم ای کاش قدری زمینه مشارکت مردم را فراهم می‌کردیم. شاه با ناراحتی پاسخ علم را می‌دهد؛ و می‌گوید که نمی‌توانیم ریسک کنیم؛ چون احتمال دارد هر اتفاقی بیفتد.

دانشجویان پیرو خط امام، مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۱ص ۷۳

سر تا پا، ضدمردم

انتخابات در دوره محمدرضا شاه ما را به چیزی رساند؟

تک‌حزبی شدن ایران و رسیدن به حزب رستاخیز در سال ۱۳۵۳.

مطبوعات در خدمت دربار.

مجالس بدون هرگونه پشتوانه مردمی و مستقل

برخی از مصوبات مجلس هم شد:

۱. مصونیت قضایی ده‌ها هزار نفر مستشاران آمریکایی که در ایران زندگی می‌کردند به همراه اعوان و انصارشان.

۲.جداشدن بحرین از ایران.

دست به سینه مقابل سفارت

شاه مجری سیاست‌های دیکته شده آمریکایی‌ها بود و هیچ استقلالی در تصمیماتش نداشت. بالاخره سلطنتش را مدیون‌شان بود.

اساس حزب مترقی و ایران‌نوین منصور و تشکیل دولت او کاملا آمریکایی است که در اسناد ساواک هم آمده است که توسط سفیر آمریکا به شاه ابلاغ شده است: «... سفیر آمریکا با دستورالعمل تازه‌ای وارد شد و به حضور شاهنشاه شرفیاب گردید و بلافاصله گروه مترقی منصور تشکیل گردید که همه از جوانان و پیران طرفدار آمریکا بودند و بلافاصله این دفتر و این گروه وابسته به دفتر اختصاصی شاهنشاه اعلام شد. خلاصه انتخاباتی صورت گرفت و حزب ایران‌نوین به‌وجود آمد. حال این پروفسور پوپ [از اعضای سازمان سیا] به‌زودی به ایران خواهد آمد و سفر آن را نمی‌توان بی‌اهمیت دانست.»

حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک، جلد ۲، صفحه ۴۵

قانون را با خواست من عوض کنید!!

کریستین دلاتوای فرانسوی در کتاب خود می‌نویسد: در زمان رضاشاه مجلس به هیچ وجه نمی‌توانست قوانینی مخالف با اراده شاه تصویب کند و هرگاه کسی جرأت می‌کرد به شاه گوشزد کند که تصمیماتش خلاف قانون است، پاسخ می‌شنید قانون را با اوامر من موافق کنید.

کتاب ساواک-نوشته کریستین دلاتوا، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، صفحه۲۰

فقط مطیعان امر حق ورود دارند

تقی‌زاده درباره انتخابات زمان رضاخان می‌نویسد: «وقتی که دوره آن مجلس (مجلس ششم) به اتمام رسید و اعلان انتخابات جدید کردند، مداخلات دربار از حد تجاوز کرد. در حقیقت رضاشاه تصمیم قطعی گرفته بود که یک نفر هم از اشخاصی که مطیع او نباشند، انتخاب نشود.»

محمود طلوعی، بازیگران عصر پهلوی، ج ۱، ص ۱۴۴

ناظر صندوق، شعبان بی‌مخ

شعبان جعفری (بی‌مخ) کار انتخابات را به‌دست گرفت؛ کار شعبان جعفری و اراذل و اوباش در خدمت او این بود که آرای مردم را از دست آنها می‌گرفتند و اگر فردی غیراز فهرست موردنظر حکومت نامش در برگه رأی بود با ضرب و شتم رأی‌دهنده و تراشیدن سر و صورت او تلاش می‌کردند نتیجه انتخابات را به نفع حکومت برگردانند.

شعبان جعفری در آینه اسناد، نوشته عباس فاطمی‌نویسی، ص ۳۳۲

یک چمدان پر از رأی!!

نشریه تایم درباره انتخابات مجلس نوزدهم شورای ملی چنین می‌نویسد: از ۱۲ نفر نماینده تهران که انتخاب شدند اسامی آنها قبل از برگزاری انتخابات اصلا معلوم بود که چه کسانی نماینده تهران خواهند بود. چمدان‌های پر از رأی در آن دوره آمد و صندوق‌های رأی را پر کرد. در دوره نوزدهم همین اتفاق افتاد. گردانندگان دوره نوزدهم تیمور بختیار رئیس ساواک، علوی کیا رئیس شهربانی و پیراسته وزیر کشور بودند. این افراد براساس فهرستی که از سوی محمدرضاشاه و اسدالله علم تهیه شده بود اسامی افراد را در صندوق آرا می‌انداختند و هر کسی خلاف این رأی می‌داد مورد تعقیب و بازخواست قرار می‌گرفت.

سایت ایرنا به نقل از نشریه تایم

روایتی از جایگاه رأی مردم در دوران پهلوی

بازی با انتخابات

گزارش حسین کاظم‌زاده پژوهشگر

مجلس فرمایشی

اسدالله علم در سال ۱۳۵۲ علت بی‌تفاوتی مردم به انتخابات را چنین تحلیل می‌کند: «تعرضات دولت مرا به یاد رفتاری می‌اندازد که ممکن است یک ارتش اشغالگر با ملتی شکست‌خورده در جنگ داشته باشد. در کلیه سطوح از انتخابات مجلس گرفته تا انتخابات محلی و انجمن شهر، دولت، آزادی را از مردم سلب و اراده خود را تحمیل کرده و نامزدهای خود را از صندوق‌ها بیرون می‌آورد. مثل اینکه رأی‌دهندگان کوچک‌ترین حقی در این مورد ندارند.»

خاطرات اسدالله علم، یکشنبه ۲۰فروردین ۵۱

بی‌آبرو در دنیا

صبح چند خبرخارجی را هم عرض کردم(به شاه) منجمله مقالات تند لوموند را علیه اعدام‌های اخیر. فرمودند: اهمیت ندارد.عرض کردم: پرستیژ ما در اروپا و آمریکا دارد خراب می‌شود. فرمودند:به جهنم، ما که نمی‌توانیم اسیر جرایدی باشیم که خودشان نمی‌دانند چه می‌خواهند. این پدرسوخته‌ای که می‌گوید قاتل را، آن هم قاتلی که تروریست است اعدام نکنید آخر چه منطقی دارد؟ ما هم باید این مزخرفات را گوش کنیم؟

خاطرات اسدالله علم، جلد۵، ص ۴۳۴

بنیانگذار «کلید پارتی» نماینده مجلس شد

متأسفانه گاه ملاک راه یافتن به مجلس مسائل جنسی بود. مهین‌دخت صنیع که در دوره‌های بیست‌وسوم و بیست‌وچهارم از بابل به مجلس راه یافت، «از طریق جنسی نماینده مجلس شد.» پری (پروین) اباصلتی مبتذل‌ترین و فاسدترین زن دربار محمدرضا پهلوی بود. پری حتی از معازله با مردان دیگر در جلوی همسرش خودداری نمی‌کرد. وی بنیانگذار «کلید پارتی» در ایران بود. او به دستور فرح به‌عنوان نماینده دوره بیست‌وچهارم به مجلس راه یافت.

خاطرات حسین فردوست، ج ۱ ص ۲۸۳

سلسله مراتب آرای دزدی

یحیی دولت‌آبادی (از روشنفکران مشروطه) از سازوکار حاکم بر انتخابات دوره هفتم اینگونه یاد می‌کند: «نمایندگان مجلس هفتم به بعد بدون استثنا اول باید رضایت دربار پهلوی را تحصیل کنند و شرط معین را هم که رأی دادن به هر لایحه‌ای از طرف دولت می‌آید به مجلس بدون اعتراض تقبل کنند. آنگاه نام آنها داخل فهرست نماینده‌گان در آن دوره شده با تعیین آنکه از چه محل انتخاب شوند، آن فهرست به‌دست نظمیه مرکز و ولایات داده شده آنها هم تکلیفشان معین است و همه‌چیز در دست خودشان و کارکنان مخصوصی است که دارند. نظمیه‌ها در موقع انتخابات دارالتحریری تشکیل داده هزارها اوراق مطابق فهرست دولت حاضر می‌گذارند و آنها را توسط سردسته‌ها به افراد می‌دهند که در صندوق انتخابات بریزند. در این صورت نتیجه قطعی است که مطابق دستور دولت از قبل انجام شده و گاهی اهل محل به‌هیچ‌وجه نماینده‌گان خود را نمی‌شناسند بلکه شاید اسمشان را هم نمی‌دانند.»

یحیی دولت‌آبادی: حیات یحیی، ج۴، ص ۴۴۰

مشخص شدن نمایندگان با بخشنامه

انتخابات مجلس هشتم در حالی انجام شد که تیمورتاش، وزیر دربار بخشنامه‌ای درباره نحوه برگزاری انتخابات به تمام حکام صادر کرد. این بخشنامه در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۰۹ صادر و از یک مقدمه و ۱۳ بند تشکیل شده بود. در مقدمه این بخشنامه تأکید شده بود که «طبق اوامر ملوکانه طبق صورتی که ارسال گردیده است باید جدیت لازم به عمل آید که این اشخاص جهت مجلس انتخاب شوند. اعلیحضرت اقدس شهریاری علاقه‌مند هستند که باید اشخاص منعقله‌المذرجه... به هر قیمتی باشد انتخاب شوند. درصورتی که اندک تعللی در اجرای اوامر صادره بشود مقصر به‌پهی است مورد بی‌مهری اعلیحضرت واقع خواهد شد. چنان که توانایی اجرای «مأموریت» را ندارید، «از تاریخ ملاحظه حکم تا ۴۸ ساعت از خدمت استعفا دهید.»

چمدان آمریکایی

نشریه تایم درباره انتخابات مجلس نوزدهم شورای ملی زمان پهلوی چنین می‌نویسد: از ۱۲ نفر نماینده تهران که انتخاب شدند اسامی آنها قبل از برگزاری انتخابات اصلاً معلوم بود که چه کسانی نماینده تهران خواهند بود. چمدان‌های پر از رأی در آن دوره آمد و صندوق‌های رأی را پر کرد. در مجلس بیست و یکم، لیست نهایی طی جلسه‌ای با حضور محمدرضا، سفیر آمریکا و احمد نفیسی (شهردار وقت تهران) بسته شد. فهرستی که پس از این جلسه با تشخیص سفیر آمریکا، مجدداً تغییر می‌کند که سبب رنجش محمدرضا می‌شود. رنجشی که سبب می‌شود از آن به بعد به این صورت اجرایی شود که فهرست بدون مشورت با محمدرضا برای دربار فرستاده شود!!

در مواردی بین افراد مورد نظر ۳ سفارت آمریکا و انگلیس اختلاف می‌شد و هر کدام تلاش می‌کردند در فهرست نهایی، نامزد (بخوانید نماینده مجلس) خود را بگنجانند.

آمریکا و انگلیس، در این کشور فعال مایشاء بودند و این مصداق واقعی تحقیر ملت ایران و رأی مردم در اداره کشور و انتخابات بود.

عجیب نیست که آمریکایی‌ها در این نیم قرن پس از انقلاب، با چه حرصی نسبت به ملت ایران و انقلاب اسلامی، صحبت می‌کنند. انقلاب دست اینها را از مقدرات کشور ما برید و ورق را به کلی برگرداند. مردم نقش پیدا کردند و تمامی مسئولان کشور به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم توسط آنها انتخاب شدند.

انتخاباتی که احترام به رأی و تشخیص مردم بود در ایران برای نخستین بار، در تاریخ این کشور به‌صورت واقعی و کاملا مردمی، کلید زده شد و تا به امروز، مردم بودند که در یک رقابت جدی با همدیگر، نتیجه انتخابات‌ها را مشخص کرده‌اند.

دستور انگلیسی‌ها آمد و به دستور انگلیسی‌ها هم رفت. محمدرضا را هم همان‌ها آوردند و از دهه ۲۰ هم ارباباش آمریکا شد. بسیاری از تصمیمات رضاخان و محمدرضا، دیکته مستقیم نه رئیس‌جمهور آمریکا یا نخست‌وزیر انگلیس بلکه تشخیص سفیر این دو کشور در ایران بود. در مجلس بیست و یکم، لیست نهایی طی جلسه‌ای با حضور محمدرضا، سفیر آمریکا و احمد نفیسی (شهردار وقت تهران) بسته شد. فهرستی که پس از این جلسه با تشخیص سفیر آمریکا، مجدداً تغییر می‌کند که سبب رنجش محمدرضا می‌شود. رنجشی که سبب می‌شود از آن به بعد به این صورت اجرایی شود که فهرست بدون مشورت با محمدرضا برای دربار فرستاده شود!!

در مواردی بین افراد مورد نظر ۳ سفارت آمریکا و انگلیس اختلاف می‌شد و هر کدام تلاش می‌کردند در فهرست نهایی، نامزد (بخوانید نماینده مجلس) خود را بگنجانند.

آمریکا و انگلیس، در این کشور فعال مایشاء بودند و این مصداق واقعی تحقیر ملت ایران و رأی مردم در اداره کشور و انتخابات بود.

عجیب نیست که آمریکایی‌ها در این نیم قرن پس از انقلاب، با چه حرصی نسبت به ملت ایران و انقلاب اسلامی، صحبت می‌کنند. انقلاب دست اینها را از مقدرات کشور ما برید و ورق را به کلی برگرداند. مردم نقش پیدا کردند و تمامی مسئولان کشور به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم توسط آنها انتخاب شدند.

انتخاباتی که احترام به رأی و تشخیص مردم بود در ایران برای نخستین بار، در تاریخ این کشور به‌صورت واقعی و کاملا مردمی، کلید زده شد و تا به امروز، مردم بودند که در یک رقابت جدی با همدیگر، نتیجه انتخابات‌ها را مشخص کرده‌اند.

مشارکت سیاسی، قبل و بعد از انقلاب اسلامی

در دوران پهلوی، مردم فقط در انتخابات مجلس شورای ملی نقش داشتند؛ اگر چه انتخابات محدود انجمن شهر و نمایندگان سنا نیز برگزار می‌شد که تماما با دخالت دربار و ساواک صورت می‌گرفت. اما اکنون با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مردم به ۸ صورت مختلف مشارکت سیاسی دارند:

- همه پرسی تاسیس جمهوری اسلامی
- همه پرسی قانون اساسی
- همه پرسی تقنینی «اصل ۵۹ قانون اساسی»
- مجلس خبرگان قانون اساسی
- مجلس خبرگان رهبری
- ریاست جمهوری
- مجلس شورای اسلامی
- شورای اسلامی شهر و روستا.

درحالی‌که در دوران پهلوی، مردم فقط در انتخابات مجلس شورای ملی نقش داشتند؛ اگر چه انتخابات محدود انجمن شهر و نمایندگان سنا نیز برگزار می‌شد که تماماً با دخالت دربار و ساواک صورت می‌گرفت.